

این که هر کدام از نخبه ها ممکن است دلیلی غیر از دانش خود را علت موفقیت خود بدانند بیانگر اهمیت ویژگی های روانشناختی در عملکرد انسان است.

دغدغه روانشناس پاسخ دقیق به پرسش های روانشناسی است

منابع کسب آگاهی و معرفت

۴ منبع کسب آگاهی داریم: عقل، شهود، وحی و تجربه.

- منظور از عقل روش های فلسفی و منطقی است (فیلسوفان بیشتر از این روش استفاده می کنند)
- ویژگی شهود دریافت درونی است (شهود مخصوص عرفاست و اطلاعات حاصل از آن شخصی و غیر قابل تعمیم است)
- استناد به وحی، آیات الهی یا سخن و عمل بزرگان
- منظور از تجربه روش علمی یا روش علم تجربی است.

نکته تستی

هر گاه در سوالی دیدید اشاره شده بود که فردی با مثال های مختلف به پاسخ سوالی رسیده است منظور این است که از روش تجربه (یا روش علمی) استفاده کرده است.

روش تجربی از روش ها و ابزارهای دقیق و قابل اندازه گیری برای بررسی موضوع مورد مطالعه استفاده می کند.

در علم تجربی رابطه بین پدیده ها با کمک مشاهده و روشهای مختلف بررسی می شود.

مفاهیم مطرح شده در علم تجربی عبارت است از: مسئله، فرضیه، اصل یا قانون و نظریه. به این چهار مورد سلسله مراتب گزاره های علمی نیز می گویند.

- منظور از **مسئله** همان سوال است که در ذهن هر فردی می تواند شکل بگیرد
- فرضیه** پاسخ اولیه و تا حد ممکن سنجیده ای است که به مسئله داده می شود و بر اساس دانش، تجربه قبلی و قوه تخیل پژوهشگر تولید می شود. (نکته تستی: منظور از پاسخ های اولیه ارائه شده به مسئله علمی همان فرضیه است)
- فرضیه در صورت پذیرفته شدن یا تایید شدن به **اصل یا قانون** تبدیل می شود.
- مجموعه ای از اصول و قوانین علمی که در مورد یک موضوع باشد **نظریه** را شکل می دهد

نکته تستی مهم:

فرضیه هیچ گاه به صورت سوالی، تعجبی و به با قید هایی مثل حتما، قطعا، یقینا و... همراه نمیشود.

بین مسئله و فرضیه **رابطه دو سویه** است یعنی فرضیه ها می توانند ضمن اینکه در پاسخ به یک سوال یا مسئله بیایند باعث طرح سوال های دیگر هم بشوند.
بین بیان های علمی یا گزاره های علمی (یعنی مسئله، فرضیه، اصل و قانون و نظریه) **رابطه سلسله مراتبی** برقرار است.

برای تایید یک فرضیه: آن را بر اساس مشاهدات تجربی **می آزمایشیم** و نتیجه را با یافته های قبول شده در علم تجربی **مطابقت** می دهیم.

ممکن است فرضیه علیرغم این که قبلاً تایید شده بود پس از مدتی کنار گذاشته شود به دو علت:

۱- آگاهی از نادرستی آزمایش های قبلی
۲- تغییر در پیش فرض های دانشمندان

توجه

اهداف علم روانشناسی

در علم روانشناسی ۴ هدف را دنبال می کنیم: ۱- توصیف ۲- تبیین ۳- پیش بینی ۴- کنترل. (حتتتما به ترتیب بلد باشید)

❖ توصیف یعنی بیان روشن و تا حد ممکن دقیق از چستی یک موضوع.

❖ تبیین یعنی بیان چرایی اتفاق افتادن یک پدیده.

نحوه **توصیف** دانشمندان از پدیده ها تاثیر بسیار زیادی در **مواجهه با آن پدیده و بررسی علمی** آن دارد.

دانشمندان در توصیف پدیده ها باید دقیق و بی طرف باشند اما مثل سایر دانشمندان علوم تجربی تحت تاثیر

۱- پیش فرض ها نظریات پذیرفته شده در هر علم ۲- ارزش ها و جهت گیری های موجود در ذهن خود هستند.

این عوامل **مشاهده و دقت** آنها را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

همیشه احتمال اینکه یک موضوع **تبیین** ها یا علت های متفاوت و در عین حال صحیحی داشته باشد وجود دارد.

پس از توصیف و تبیین به پیش بینی و کنترل دست می یابیم

کنترل و پیش بینی در علم روانشناسی نسبت به سایر علوم تجربی با **دشواری بیشتری روبروست**. دلیل آن هم پیچیدگی و

دشواری توصیف و تبیین در موضوعات علم روانشناسی است.

پیش بینی و کنترل موضوعی که **توصیف و تبیین روشن تری** داشته باشد آسانتر است.

روش علمی

روش علمی همان روش تجربه (روش تجربی) در کسب آگاهی و معرفت است.

رکن اساسی روش علمی مشاهده و تجربه است. یعنی از روش علمی تنها در حیطه امور قابل مشاهده با حواس پنجگانه (یا مشاهده پذیر یا محسوس) میتوان استفاده کرد.

علم تجربی در مواجهه با مسائل غیر قابل مشاهده (نامحسوس) می تواند **فقط ادعا کند نمی دانم** و برای کسب دانش و آگاهی و

معرفت درباره موجودات غیر قابل مشاهده باید از **تبیین های مستند به سه منبع معرفتی دیگر** (یعنی وحی و عقل و شهود)

استفاده کند.

پس موضوعات غیر قابل مشاهده

✓ قابلیت بررسی تجربی را ندارند

✓ و نمی توان در مورد آنها گزاره های تجربی و علمی را بیان کرد

✓ در مورد آنها باید با استناد به سه منبع دیگر آگاهی کسب معرفت کرد

کاربردی ترین تعریف روش علمی: فرایند جستجوی با قاعده و نظام دار برای مشخص کردن یک موقعیت نامعین

★ **فرآیند** جریان رسیدن به هدف و حرکت از مبدا به مقصد است.

در جستجوی چیزی بودن باعث هدفمند بودن می شود

★ **با قاعده و نظام دار بودن** یعنی روش علمی تابع قواعد مشخص است که به صورت منظم طی می شود

مهم مهم **مهمترین تفاوت دانشمند با فرد عادی در نظام دار بودن روش علمی تر مشخص می شود** مهم مهم

★ **موقعیت ناشناخته**: در روش علمی دانشمند با **طرح مسئله** موقعیت ناشناخته را شناسایی می کند با **روشهای تجربی** به آن پاسخ می دهد.

مشخص کردن موقعیت نامعین به نور در شب تاریک تشبیه شده است

دو ویژگی روش علمی: ۱- تعریف عملیاتی ۲- تکرار پذیری

متغیر هر چیزی است که تغییر کند: مثل هوش، اضطراب، نمره امتحان، ساعات استراحت، میزان پیشرفت تحصیلی، انگیزه و ...

معنی تعریف عملیاتی:

تعریف عملیاتی یعنی تعریف متغیرها به **شکل دقیق، شفاف و قابل اندازه گیری** برای (به منظور) انجام صحیح آزمایش و سهولت در اندازه گیری ها. به طوری که همه افراد با مطالعه آن تعریف به برداشت یکسان یا نسبتاً یا تقریباً یکسانی برسند. نکته تستی: برای رسیدن به مفهوم مشترک از متغیرها از تعریف عملیاتی استفاده می کنیم

تکرار پذیری یعنی

یافته های بدست آمده از روش علمی خصوصی و شخصی نیست بلکه هر دانشمندی با رعایت همان ضوابط علمی می تواند یافته

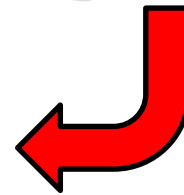
های دیگران را تکرار کند.

➤ همه علوم به یک میزان یافته های تکرارپذیر ندارند مثلاً در روان شناسی نسبت به علم فیزیک تکرارپذیری یافته ها کمتر است. چرا؟

❖ پیچیدگی پژوهش های مربوط به انسان

❖ رعایت مسائل اخلاقی

❖ تاثیر ارزش آن در نگاه و تفسیر پدیده های انسانی



روش های تجربی (همان روش علمی) همواره با محدودیت هایی در تبیین پدیده های انسانی مواجه هستند و نمی توانند پاسخ بسیاری از پرسش های بشر را بدهند.

تعریف روانشناسی

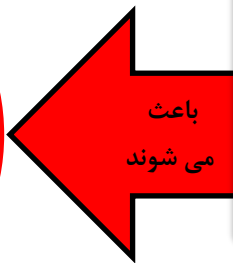
جامع ترین تعریف علم روانشناسی عبارت است از علم مطالعه (رفتار) و (فرایندهای ذهنی یا شناخت)

➤ رفتار هر فعالیت قابل مشاهده جاندار است.

➤ فرایندهای ذهنی اموری هستند که به شکل قابل مشاهده به شکل مستقیم قابل مشاهده نیستند به همین دلیل

فرایندهای ذهنی را به وسیله آثار و کارکردهای قابل مشاهده آنها مورد مطالعه تجربی قرار می دهیم.

مطالعه رفتار محدود به انسان نیست و در بسیاری از آزمایشها تفاوت جدی و بنیادی بین انسان و حیوان نمی گذارند.



- ۱- گذشت زمان
- ۲- تغییر در مبانی و پیش فرض های علم
- ۳- تغییر در نیازهای فرهنگی اجتماعی و زیستی
- ۴- افزایش اطلاعات هر علم

که نتیجه آن این است که گاهی در یک علم نمی توان به یک نظریه واحد یا دیدگاه منسجم دست یافت.



روانشناسی نوین در تبیین موضوعات مورد مطالعه با واژه شناخت بسیار سر و کار دارد.

به واژه های تعریف شده در زیر دقت کنید:

محرك: هر چیزی است که گیرنده های حسی را تحریک میکند.

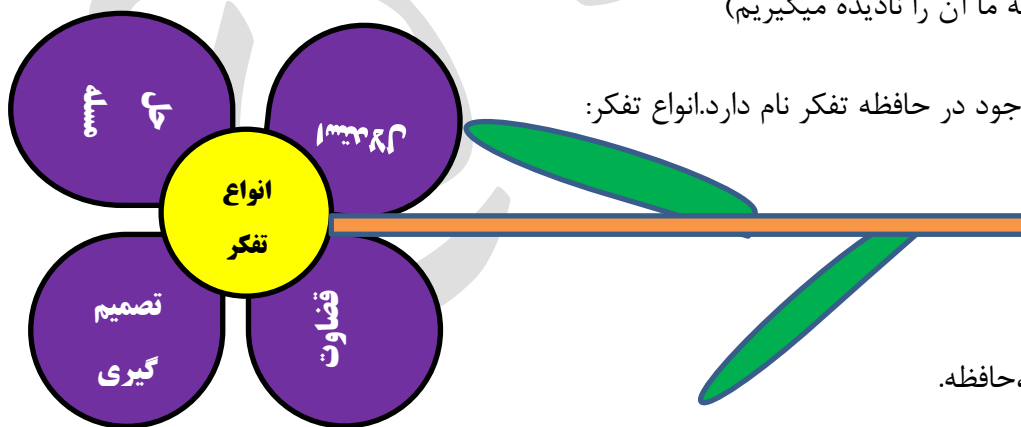
احساس: تحریک اندام های حسی موجب احساس می شود.

توجه: انتخاب یک محرك خاص از بین محرك های پیرامون بشمار پیرامون ما توجه نام دارد

ادراک: تعبیر و تفسیر و معنی و مفهوم و سازمان دادن به محرك های توجه شده ادراک نام دارد. (فاصله زمانی بین احساس

توجه و ادراک آن قدر سریع است که ما آن را نادیده میگیریم)

تفکر: فرآیند استفاده از اطلاعات موجود در حافظه تفکر نام دارد. انواع تفکر:



شناخت پایه: یعنی توجه، ادراک، حافظه.

شناخت عالی: یعنی تفکر و انواع آن که شامل استدلال فضاوت حل مسئله و تصمیم گیری می شود

عالی ترین مراتب شناخت حل مسئله و تصمیم گیری هستند

• پل ارتباطی بین شناخت پایه و شناخت عالی **حافظه** است

- پایه و اساس شکل گیری شناخت: تحریک گیرنده های حسی و احساس است.
- شناخت از توجه تا تصمیم گیری را در بر می گیرد
- هر چه به سمت شناخت عالی پیش می رویم پردازش ما پیچیده تر است
- پردازش: یعنی در یافت و فهم بیشتر.
- دو نوع پردازش داریم: و پردازش مفهومی
- پردازش ادراکی: صرفاً بر ویژگی های ظاهری و حسی مثل اندازه و شکل ظاهری محرک تاکید دارد.
- پردازش مفهومی: علاوه بر ویژگی های حسی و ظاهری تحت تاثیر ویژگی های کیفی هم قرار دارد در پردازش مفهومی پردازشگران به مفهوم می رسند.
- هر چه پردازش مفهومی تر باشد شناخته شکل گرفته پایدارتر و کارآمدتر است.

روشهای جمع آوری اطلاعات در روانشناسی

در روانشناسی چهار روش برای جمع آوری اطلاعات داریم: ۱- مشاهده ۲- پرسشنامه ۳- مصاحبه ۴- آزمون

ویژگی های مشاهده:

از مشاهده برای جمع آوری اطلاعات در مورد رفتار حیوانات و انسان ها استفاده می شود. مشاهده را هم در محیط طبیعی و هم در آزمایشگاه می توان انجام داد. در مشاهده اطلاعات باید به شکل دقیق و به دور از تعصب و پیش داوری ها ثبت شود.

ویژگی های پرسشنامه

هرگاه مشاهده مستقیم امکان پذیر نبود از پرسشنامه استفاده می کنیم. با پرسشنامه درباره رفتار و افکار خاص انسان ها اطلاعات جمع آوری میکنیم. پرسشنامه باید دقیق و معتبر باشد. پرسشنامه به شیوه های مختلف نمره گذاری میشود.

ویژگی های مصاحبه

هرگاه نتوانیم موضوعی را به صورت مستقیم مشاهده یا با کمک پرسشنامه مطالعه کنیم از مصاحبه استفاده می کنیم در مصاحبه بر اساس پاسخ های دریافت شده پرسش بعدی خود را مشخص کرده و می پرسیم. مصاحبه برخلاف گفتگوی معمولی، هدفمند و سازمان یافته است

ویژگی های آزمون

تعریف آزمون: آزمون ابزاری برای کمی کردن ویژگیهای روانشناختی است. (منظور از کمی کردن، با عدد نشان دادن است.) (و منظور از ویژگی های روانشناختی سازه هایی است که در روانشناسی مورد بررسی قرار می گیرند مثل هوش، اضطراب، افسردگی، انگیزش و....)

ویژگی های آزمون: آزمون دو ویژگی دارد:

۱- باید دقیقاً همان چیزی را اندازه گیری می کند که برای آن ساخته شده است

۲- در دفعات متعدد اجرا باید نمره یکسان یا تقریباً یکسان به ما بدهد.

- افراد عادی جامعه بیش از هر روشی با آزمونها مواجه هستند.
- استفاده از آزمون ها و اجرا و تفسیر آن ها باید در کنار سایر روشها و به کمک متخصصین انجام شود.
- اطلاعات به دست آمده از آزمون ها نباید به صورت عمومی برای دیگران منتشر شود.

موفق باشید

فهیمة زارع- پاییز ۱۳۹۹